تازه‌های کتاب

کلام را برای شاعران بگذارید

سایر محمدی

گزیده‌ای از آثار شاعران معاصر فرانسوی تحت عنوان "کلام را برای شاعران بگذارید" با برگردان قاسم صنعوی از سوی نشر گل آذین چاپ و منتشر شده است.

قاسم صنعوی که سابقه ترجمه آثار شاعران بزرگی چون ریتوس را در کارنامه‌اش دارد این بار به سراغ شاعران معاصر فرانسه چون لوئی آراگون، پل آلوار، روبردسنوس و... رفته و بهترین اشعار این شاعران را در دوران نهضت مقاومت فرانسه به فارسی برگردانده است. در واقع اشعار این مجموعه، به شعر مقاومت شهرت پیدا کرده‌اند. صنعوی در مقدمه‌ای موجز و مفید ابتدا به این سوالات پاسخ می‌دهد، اعضای نهضت مقاومت چه کسانی بودند اعضاء با چه انگیزه‌هایی و به چه قصد به نهضت مقاومت پیوستند مقاومت با چه دشواری‌هایی مواجه بود. مقاومت چگونه کار دشوارش را آغاز کرد و گسترش یافت و... در نهایت به تعریف ادبیات مقاومت می‌پردازد.

در این مجموعه اشعار بیش از هفتاد هشتاد تن از شاعران نهضت مقاومت فرانسه اعم از رئالیست‌ها، سوررئالیست‌ها و... آمده که مطالعه این اشعار برای ما که دوران هشت ساله دفاع مقدس را در کارنامه خود داریم بسیار خواندنی و جذاب است.

زندانی

مجموعه ده داستان کوتاه به قلم فاطمه ریسه، تحت عنوان "زندانی" از سوی نشر قصیده سرا چاپ و منتشر شده است.

نویسنده در مقدمه کتاب می‌نویسد: ... آن چه امروز نوشته‌ام، نتیجه سال‌های گذشته و همه روزهایی است که زندگی کرده‌ام و زندگی کردن را تجربه کرده‌ام. شاید زمانی بود که تنها زندگی می‌کردم و عمق حوادث جز در کنه خاطرات پیدا نمی‌شد. اما زمانی یاد گرفتم متفاوت از دیگران زندگی کنم.

فاطمه ریسه عامل دگرگونی در نگاه و زندگی‌اش را دکتر شریعتی می‌داند و علاوه بر آن می‌گوید: دو تن دیگر بر من و اهداف و لحظاتم تأثیر گذاشتند. ماهاتما گاندی و داستایوفسکی. داستایوفسکی نویسنده بزرگ روس به من انگیزه داد تا بنویسم و الگوی تمام عیارم در داستان نویسی است. فضای شگفت انگیز داستان‌های او هرگز ذهن و ضمیرم را ترک نمی‌کند. آموختم چگونه به انسان‌ها به عنوان کسانی که بعد دارند و بسیار پیچیده‌اند، نگاه کنم. داستان‌های این مجموعه یا در قالب راوی اول شخص من روایت می‌شود، یا در قالب راوی سوم شخص و از منظر راوی دانای کل. زبان داستان، دیالوگ‌ها و فضاسازی از جمله عناصری هستند که از توان و تجربه نویسنده حکایت می‌کنند.

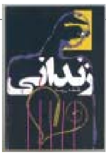

محل تهیه: رسانه‌سرای پروچیستا
تلفن: ۶۶۶۱۹۲۳۲

رسانه سرای
پروچیستا

دوشنبه ۵ دی ماه ۱۳۸۴ ۲۶ دسامبر ۲۰۰۵

بررسی ریشه‌های جنبش ملی

کتابی که به علی اکبر دهخدا تقدیم شد

کتاب «پیشینه‌های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی» به‌قلم خسرو شاکری منتشر شد.

در این اثر که از سوی نشر اختران به چاپ رسیده، مولف کتاب را به علی اکبر دهخدا - انسان‌دوست مبارز مشروطه‌خواه و دانش‌پژوه - تقدیم کرده‌است.

خسرو شاکری سال‌هاست که به تدریس تاریخ ایران و آسیای باختر در فرانسه مشغول است. همچنین چندین سال است که به عنوان استاد و پژوهشگر مهمان در دانشگاه‌های آمریکا به تدریس و تحقیق می‌پردازد.

همان‌گونه که در پیشگفتار اثر آمده، کتاب یاد شده تلاشی است به منظور بازسازی و بررسی تاریخ خط‌مشی سیاسی جناح چپ در ایران و پیشینه‌های روسی-قفقازی آن در دوره انقلاب مشروطیت ایران، یعنی هنگامی که برای نخستین بار ریشه گرفت و رشد کرد.

مولف همچنین ریشه‌های جنبش ملی و دموکراتیکی را که در آغاز قرن بیستم آمد، می‌کاود. خسرو شاکری همچنین کتاب «جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران؛ میلاد زخم» را برای انتشار آماده دارد.

«پیشینه‌های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و اکشاف سیوسیال دموکراسی» در مجموعه بررسی‌های تاریخی ایران معاصر، شماره ۴، در شمارگان سه هزار نسخه به‌تازگی از سوی نشر اختران منتشر شده‌است.

بخارای مهر و آبان به سردبیری علی دهباشی منتشر شد

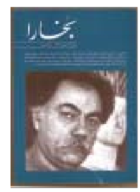

چهل و چهارمین شماره ماهنامه ادبی بخارا با مقالات و مطالب متنوع از آذرنگ، داریوش آشوری، آغداشلو، گلی امامی و شفیعی کدکنی و ... بر روی دکه مطبوعات آمد.

در تازه‌ترین شماره بخارا ابتدا یادداشت سردبیر به قلم علی دهباشی را می‌خوانیم که از هشتمین سال انتشار بخارا و هرج مرج در محیط ادبی و هنری و بی‌توجهی به زبان فارسی سخن می‌گوید. در ادامه مقاله هوشنگ دولت آبادی «در باب داشتن چند شخصیت» آمده و در صفحات نقد ادبی وصف‌های فروغ فرخزاد به قلم دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، در بخش فلسفه ترجمه مقالات دیو یدمون به قلم عزت‌اله فولادوند، مقاله شایگان با ترجمه فاطمه ولیانی و بحثی پیرامون توکویل، تامل در جامعه به قلم بزرگ نادرزاد را می‌خوانیم.

بخارای این شماره چون شماره‌های پیشین در بخش‌های فرهنگ و زبان، پژوهش، ادبیات غرب، ایرانشناسی، شعر جهان و شعر فارسی مطالب متنوعی دارد. در بخش گفت‌وگو نیز مصاحبه با حورا یاوری منتقد ادبیات از منظر روانشناختی، گفت‌وگو با کامران دیبا، گفت‌وگو با دکتر محمود مصدق به اهتمام علی دهباشی آمده که به جذابیت این نشریه وزین ادبی و فرهنگی می‌افزاید.

گزارش، سفر، ادبیات افغانستان، نقد و بررسی کتاب، یاد و یادبود، یادنامه مرتضی ممیز دیگر بخش‌های این شماره بخارا را تشکیل می‌دهد.

روح همزاد: هیچ نیمه‌ای این نیمه را تمام نکرد

زندگی قصه است؟ یا قصه‌ها خود زندگی‌اند؟ زندگی می‌کنیم تا حکایتی را به پایان ببریم، حکایتی که شاید در انتهای راه قادر به جمع و جور کردنش در ذهن باشیم یا حکایت‌ها و ماجراها ما را با خود می‌کشند و می‌برند و ما در پایان راه تنها، شاید بتوانیم دریابیم که خود بازیگر قصه نوشته شده‌ای بوده‌ایم؟

«روح همزاد» نوشته گیتا صرافی، رمانی جمع و جور است که قصه یک زندگی را پی می‌گیرد. قصه‌ای که قهرمان آن تنها زمانی حقیقت را درمی‌یابد که دیگر برای جبران آنچه رفته است، زمانی پیش رو ندارد.

کتاب با مایه‌های فلسفی به دنبال زشتی‌ها و زیبایی‌هاست، خصلت‌هایی که گاه در درک آنها ناتوان می‌مانیم و آنی را برمی‌گزینیم که نباید و نتیجه فقط دریغ است و دریغ.

«روح همزاد» همانگونه که از نام کتاب برمی‌آید، نیاز آدمی به یافتن نیمه‌ای از وجود را باز می‌گوید و از امید به کامل شدن سخن می‌گوید. تکاملی که نه در نیازهای مادی که در نیازهای روحی تجسم می‌یابد و چشم جان را به درک زیبایی‌های پیرامون می‌گشاید. زیبایی که می‌تواند در سکوت هم معنا شود. «از تو سخن گفتن کفر است. تو را باید نشست و نظاره کرد.» سکوتی که در کنج خلوت دل به ذات حقیقتی پنهان دست می‌یابد و تناقض موجود در زندگی را درمی‌یابد.

نویسنده کتاب هر یک از فصل‌های کتابش را به نام یک گل انتخاب کرده‌است. از اطلسی و همیشه‌بهار در آغاز راه زندگی در کنار معصومیت‌ها و نادانی‌ها تا خشخاش و ارکیده زرد برای فصولی که ضربه‌ها وارد می‌شود و نیلوفر آبی برای جایی که باید تسلیم شد و اشک ریخت...

«گیتا صرافی» در لابه‌لای جملات کتابش از لطیف‌ترین اشعار و واژه‌هایی سود جسته است که از دل برآمده‌اند و در دلی تنها را ملموس می‌دارند. آن هم در قالب رمانی که شاید بهانه‌ای باشد برای واگویه‌های قلبی که خود به دنبال نیمه گمشده زندگانی‌اش می‌گردد و امید اینکه با تجربه قهرمان کتاب رو به رو نشده باشد و هرگز هم نشود. «روح همزاد» توسط نشر همراه به بازار کتاب راه یافته است.

یک مجموعه شعر و یک آنتولوژی از رضا قنبری

مشکوک به دایره ای که جهان بود عنوان مجموعه شعری از رضا قنبری، شاعر و منتقد معاصر است، که به زودی توسط انتشارات آوای کلار منتشر می شود.

این مجموعه شعر شامل اشعار ۸۳-۸۲ است و در برگیرنده اشعار کوتاه این شاعر در این سال‌هاست. از این شاعر پیش از این مجموعه شعر «کوتاه چون عمر - آزاد چون باد» منتشر شده بود.

همچنین جلد اول آنتولوژی داستان‌های دهه هفتاد با عنوان «گفتن از گفت»، کتاب دیگری است که از رضا قنبری منتشر می شود؛ این کتاب شامل ۱۵ داستان از ۱۵ داستان نویس معاصر است که در دهه هفتاد شمسی به چاپ رسیده و هر داستان به طور جداگانه بررسی شده‌است. این کتاب هم توسط انتشارات آوای کلار منتشر خواهد شد.

قنبری در حال حاضر مشغول تدوین جلد دوم این آنتولوژی است.

ناشران امروز

محمد زندی

انتشارات فراگاه با صاحب امتیازی جاوید محمدی در شهریور ۱۳۸۲ در کرج شروع به فعالیت نموده و مدیریت آن را هادی خوانساری بر عهده داشته‌است.

فراگاه در زمینه ادبیات و نقد ادبی فعالیت دارد و تا کنون نزدیک به ۳۰ عنوان کتاب در زمینه‌های شعر، داستانی و نقد ادبی چاپ و منتشر کرده‌است.

● آقای خوانساری از مشکلات حرفه‌ای نشر بگویید؟

با تغییراتی که در سیستم دولت جدید اتفاق افتاده این روزها گرفتن مجوز انتشار کتاب به سختی و دیر به دست می‌آید. پیش از این مجوز انتشار کتاب را در کرج می‌گرفتیم اما در حال حاضر باید از تهران اعلام وصول بگیریم که خود برای انتشارات ما معضلی شده‌است. در زمینه خرید کتاب از طرف وزارت ارشاد هم که در بیشتر اوقات جنبه نمایشی دارد باید اشاره کنم که برای نشر نوبنیاد ما مشکلی قابل طرح است. درباره نمایشگاه‌های کتاب در کرج که توسط ارشاد و سایر ادارات دولتی برگزار می‌شود در بیشتر موارد به فروش کتاب‌های خود وزارتخانه و دستگاه‌های دولتی اختصاص دارند. در واقع به دلیل اینکه ما ناشر تازه کاری هستیم از امتیازی که ناشران قدیمی از کانال‌های مختلف می‌گیرند برخوردار نیستیم.

● شما چه راهکاری برای حل این مشکلات پیشنهاد می‌دهید؟

من معتقدم که فعالیت بیشتر ما و اینکه تریبونی برای بسیاری از شاعران و نویسندگان جوان باشیم ما را به ادامه کار تشویق می‌کند اگر نه مشکلات همچنان باقی است، نشر فراگاه با اعتقاد به کار و عشق به هنر توانسته است به عنوان ناشر برگزیده معرفی شود. در واقع یکی دیگر از مشکلات ما که راهکاری برای حل آن وجود ندارد این است که ما شاعر، ناشر هستیم که همانطور که اطلاع دارید فروش کتاب‌های شعر به ویژه شعر جوان در این شرایط و نیز همکاری پخش‌های معتبر با ناشران نوپایی مثل ما چگونه است.

● برنامه آینده شما چیست؟

نشر فراگاه همچون گذشته به چاپ و انتشار کتاب در زمینه شعر، داستان و نقد ادبی ادامه خواهد داد، هرچند در این راه با بازار موجود چشم انداز خوبی نمی‌بینیم اما باز هم آثار شاعران ناشناخته و جوان را در مناطق دور افتاده چاپ و منتشر خواهیم کرد و این در حالی است که از چهره‌های پیشکسوت نیز آثار موفقی را به چاپ رسانده‌ایم.

بازی بزرگان

امیر پوریا

سیلوستر استالونه در «فرار به سوی پیروزی»:

می‌مانم تا برنده شویم

amirpouria@Gmail.com نمی‌دانم چه اصرار یا تمایلی در بین دوستان وجود دارد که می‌خواهند فیلم شیرین و جذاب و خاطره انگیز فرار به‌سوی پیروزی (جان هیوستن، ۱۹۸۱) را به عنوان یک «فیلم فوتبالی تجاری نازل و سطح پایین»، دستکم یا نادیده بگیرند یا آن را در مقابل فیلم‌های جدی‌تر هیوستن مثل شاهین مالت، جنگل آسفالت یا حتی فیلم آخرش مردگان، قابل تحقیر بدانند. این ماجرا تا حد زیادی به «محتوازدگی» رایج در فضای نقد سینمایی ایران بر می گردد و چون این فیلم داستان پر فراز و نشیب اش درباره نقشه فرار و همزمان، مسابقه فوتبال حیثیتی بین تیم اسرای متفقین و تیم آلمان نازی را بدون اشاره و تاکید بر یم و احساسات ضد فاشیستی بازگو و تماشاگرش را به شدت سرگرم می‌کند، از سوی خیلی‌ها دستکم گرفته می‌شود.

به هر حال، از جمله ویژگی‌های مهم و اثرگذار این فیلم برای من که خاطره چندین بار فرار از مدرسه و سینما رفتن در زمان اکران آن در اوایل دهه ۱۳۶۰ خودمان را دارم، این است که به نظرم بهترین بازی سیلوستر استالونه، بازیگر عضلانی سینمای آمریکا و سوپر قهرمان بارها تمسک گرفته فیلم‌های معروف راکی و رمبو، در این فیلم هیوستن و پلیس آباد جیمز منگولد «یافت» می‌شود.

«چ»، اسیر جنگی عضو نیروی مقاومت که برای نجات و فراری دادن جمع پر تعدادی از اسرا در بین دو نیمه بازی فوتبال آنها با تیم آلمان، نقشه پر طول و تفصیلی را طراحی و هماهنگ کرده، تا فاصله بین دو نیمه آن را اجرا هم می‌کند؛ اما با وضعیتی که تیم و بازی پیدا کرده، یکهو همه و از جمله کلپی (مایکل کین) مربی تیم به این فکر می افتند که ممکن است بتوانند بازی را مساوی کنند یا ببرند. این وسط، قیافه هچ (استالونه) دیدنی است: دار داز بی تفاوتی بقیه نسبت به فرصت عالی فرار که برایشان پیش آمده، دیوانه می‌شود، ولی در عین حال، بازی استالونه طوری دوگانه است که حس می کنیم حتی خود هچ هم وسوسه شده که همه آن دردسرها را فراموش کند و به زمین بازی برگردد.

خیلی‌ها، از جمله امیر قادری که قاعدتا باید برای این فیلم با خاطرات و بامزگی‌هایش حسابی نوستالژیک شود، ایراد می گیرند که چطور از نیمه دوم، هچ که تا اوایل بازی حتی نمی دانست موقع کرنر باید کنار تیر دو دروازه بایستد، ناگهان به دروازه بانی در حد الیور کان (من ترجیح می دهم به عنوان مظهر مهارت، بگویم در حد رینالد داسایف) تبدیل می‌شود؟ جواب ام این است که به قول دوست مشترک مان، «اشتباه نکن»! اولا همه حال و لذت این فیلم به همین است که خیلی جاها منطق علت و معلولی سینمای داستانگو را فدای لذت فوتبالی ناب می‌کند (مثلا در همین مورد یا موقع گل پله با برگردان / قیچی زدن اسلوموشن و از چند زاویه) و ثانیاً بازی استالونه با مکث و تردید و وسوسه ضد آلمانی اش در خصوص احتمال جلوگیری از برد تیم نازی‌ها در همان سکانس بین دو نیمه، این عزم جزم را توجیه می کند و جا می اندازد.

نشریات

ماهنامه سینمایی فیلم

جدیدترین شماره ماهنامه سینمایی فیلم به یاد مرتضی ممیزی و منوچهر نوذری منتشر شد.

سیصد و چهل و یکمین شماره ماهنامه فیلم در چند بخش تحت عنوان رویدادها، خشت خام، صدای آشنا، در تلویزیون، راز محبوبیت ستاره سرگرمی، سینمای جهان، نقد فیلم، سینمایی خانگی، و بر روی دکه روزنامه فروشی‌ها جای گرفت. در بخش خشت و آینه اخبار و رویدادهای مهم ماه گذشته در حوزه فرهنگ و سینما به قلم مهرزاد دانش، امیر قادری، پرویز جاهد و محمد محمدیان آمده است. صفحه رویدادها، اختصاص به فیلم‌های در دست تهیه دارد که از میان این فیلم‌ها به خون بازی کار رخشان بنی اعتماد، رویای آمریکایی کار قدکچیان، گیس بریده کار جمشید حیدری، روز هشتم کار شهابی می توان اشاره کرد. گفت‌وگویی مفصل و خواندنی با کیمیایی پیرامون جدیدترین کار او به نام حکم، نقدهای انتظامی، زرین دست، حاتمی، رادان و پولاد کیمیایی به فیلم حکم از دیگر مطالب این شماره فیلم است. به یاد مرتضی ممیز و سایه مطبوع حضورش به قلم پرویز دوایی و ابراهیم حقیقی، و یاد منوچهر نوذری آقای نمایش و سرگرمی نیز در این شماره به چاپ رسیده است.

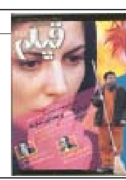

نامه

چهل و پنجمین شماره از نشریه نامه در شماره تازه خود مطالبی چون آینده روابط در منطقه خاورمیانه، ایران و آمریکا، بازی در میدان منطقه‌ای، فلسطین کلید حل مساله خاورمیانه، دوصد گفته چون نیم کردار نیست، زن و حزب در ایران، زنان کارگر در دیار فراموش شدگان، بدون رنج کارگران جهانی وجود ندارد، آزادی حق همه ملیت‌ها، دفتری برای تحکیم کثرت، تنها صداست که می ماند، آن شهرهای شاعر پرور و ... را به چاپ رسانده است. در بخشی از مطلب بازی در میدان منطقه‌ای به قلم علیرضا کرمانی چنین آمده است: «هرچند جنگ هشت ساله ایران و عراق از سوی صدام با این هدف آغاز شد که رژیم او خاکریزی در برابر امواج صدور انقلاب ایجاد کند. ولی جنگ خانمان سوز نیز نمی توانست انقلابیون ایرانی را دچار فراموشی کند و آن شعار این بار تبدیل شد به آزادی قدس از طریق کربلا، پس از هشت سال دوران جنگ و گذراندن دو دوره هشت ساله سازندگی و نیز هشت سال اصلاح درون، از تنش‌های میان ایران و آمریکا چیزی کاسته نشد.»

محل تهیه: رسانه‌سرای پروچیستا
تلفن: ۶۶۶۱۹۲۳۲

پیشنهاد روز

شهریار وقفی پور

وینی پو و دوست جدیدش

وینی پو را که می‌شناسید؛ لطفاً این بار دیگر خودتان را به آن راه نزنید، فرض که آمیتاب باچان را نمی‌شناسید، اما شناخت پو را که نمی‌توانید انکار کنید. منظورم همان خرس نارنجی است که شرکت والت دیسنی یک فیلم عروسکی از آن ساخته و صدها قسمت کارتونی بر اساس آن به بازار فرستاده است. همه عروسک‌فروشی‌های تهران هم پر است از وینی و دوستانش (یک ببر، یک الاغ که دمش را با میخ چسبانده‌اند، یک خوک و چند تا حیوان دیگر). اما آنها بیشتر از آنکه حیوان باشند، عروسک هستند، عروسک‌های پسری به اسم کریستوفر رابین. حالا برویم سراغ قصه کریستوفر رابین که این پسرک کیست و چرا اسمش دوباره مطرح شده است؟

یک زمانی آقایی وجود داشته به اسم آلن الکساندر میلن، که آدم نسبتاً عجیبی بوده است. در اسکاتلند دنیا آمده اما در لندن بزرگ شده و در بچگی هم یکی از معلم‌هایش اچ. جی. ولز بوده. بزرگ که شده طنزپرداز می‌شود و تا معاونت سردبیری مجله «پانچ» هم می‌رسد. یک داستان پلیسی هم می‌نویسد به اسم «معمای خانه سرخ» که از کلاسیک‌های عصر طلایی داستان پلیسی است؛ برای همین هم ریموند چندلر در مقاله «هنر ساده کشتن» حسابی درازش کرده است؛ با این حال کاریش نمی‌توان کرد، این کتاب از کلاسیک‌هاست؛ اگر چه نویسنده اش همین یک کتاب پلیسی را هم نوشته است. وقتی پسر میلن دنیا می‌آید، اسمش را می‌گذارد کریستوفر رابین و یک روز که حسابی غرق تماشای عروسک‌های پسرش بوده، می‌نشیند مجموعه کتاب‌هایی می‌نویسد در مورد ماجراهای وینی خرسه و کریستوفر رابین که پس از مرگش، وارثان امتیاز این شخصیت‌ها را می‌فروشند به والت دیسنی و آنها هم حسابی حالش را می‌برند و هر کاری می خواهند سر این شخصیت‌ها درمی‌آورند. آخرین کاری هم که می‌خواهند بکنند این است که در هشتادمین سالگرد تولد وینی خرسه، کریستوفر رابین بدبخت را حذف کنند و جایش را بدهند به یک دختر شلخته شش ساله مو قرمز. دیسنی قول داده که در مجموعه سال ۲۰۰۷ خود به روح «اعتماد، دوستی و شادی»ای که آقای میلن خلق کرده، وفادار بماند، اما به قیمت حذف پسرش؟ نمی‌دانم.

نانسی کانتر، یکی از اعضای بلندپایه دیسنی به روزنامه یواس‌ای تودی گفته که ممکن است بعضی از این کار عصبانی شوند، اما این شخصیت‌های بی‌زمان واقعاً به هوای تازه احتیاج دارند. خب حرفی نیست، باید ماند و دید چه کار می‌کنند. البته تا آن وقت دختر من هشت سالش هم شده و بعید می‌دانم دیگر وینی برایش چندان مهم باشد؛ همین حالا هم نارنیا و ارباب حلقه‌ها برایش مهم‌تر از وینی است! اما همه دخترها که مثل دختر من نیستند. کلر میلن، نوه میلن در صدد است امتیاز وینی را دوباره به دست آورد، اگر چه دادگاه‌های آمریکا ادعایش را وارد ندانسته‌اند، اما او بی‌کار نمی‌نشیند. من که می‌گویم منتظر بمانیم ببینیم کتاب جدید جی. کی رولینگ قرار است چه از آب در بیاید؟

با شاعران معاصر جهان

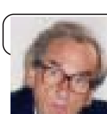

میشل دوگی (Michel Deguy)

محمدعلی سپانلو و مریم موسوی مترجمان این شماره باشاعران معاصر جهان هستند. سپانلو، شاعر و پژوهشگر معاصر نامی آشنا در ترجمه شعر فرانسه است. تازه‌ترین اثر ترجمه‌شده سپانلو کتاب شعر معاصر فرانسه است که گزینه‌ای از شعر شاعران نیمه قرن بیستم تا امروز را در بر می‌گیرد. این کتاب که حاوی شعر ۳۵ شاعر فرانسوی است توسط ۱۲ مترجم از جمله محمدعلی سپانلو و مریم موسوی به فارسی برگردانده شده است. تدوین و نظارت این مجموعه با محمدعلی سپانلو و الن لانس مدیر خانه نویسندگان فرانسه بوده که نشر ثالث آن را به تازگی روانه بازار کرده‌است.

دوگی متولد ۱۹۳۰ است. کمتر اثری است که مثل آثار دوگی سرشار از پرسش باشد. انتشار کارهایش در دهه ۶۰ با کتاب‌هایی چون قطعات ثبت املاک، شعرهای شبه جزیره و نهر آغاز شد. اینک وی مدیر مجله «شعر» است. از نظر میشل دوگی همواره رابطه‌ای میان تفکر نظری و عمل شعری وجود دارد. حاصل این رابطه گاهی کتابی است که حاوی شعر ناب و گاه کتابی حاوی شعر اندیشمند؛ در این راستا می توان از کتاب کفش‌ها (۱۹۶۶) که همزمان با شایعه نوشته شده بود نام برد. گهگاه نیز اثری مثل مقبره دوبله به وجود می آید که اثری است حاوی دفاع و حمله، پاره‌ای اوقات اندیشه در چیزی که در حال نوشته شدن است نقش می بندد: تفکراتی از قبیل نقش شعر در قلب زبانی که آن را به وجود می آورد، زبانی که آیینه است، نمایشگر نوشته: آیینه‌ای نشانگر تصویرهای متناقض چهره راستین دنیا. برخوردی از نوع دیگر نسبت به مسایل، ملاحظه‌ای چندگونگی دنیایی که باید همیشه مدنظر داشت، دنیایی که باید نشانه‌های مشهود و شبح آن را در فرهنگ و ادب و عمل و کنترل کلمات فهمید. در همه کتاب‌های میشل دوگی پرسشی است درباره کاربرد شعر در دنیای واقعی. علاقه او به مسایل مهم تمدن و به فلسفه در کارهای اخیرش که بعد از پیکره روی سنگ قبر در ۱۹۸۵ نوشته شده، مشخص است. دوگی در جایی می نویسد: «تمثیلی بودن چیزها همه مرزها را از بین می برد.» از نظر او واضح و در عین حال نگران کننده است که گفتار، کشف و بهره برداری فراطبیعی زبان باشد، کشف از طریق همه امکانات بلاغت و حتی تسهیلات حروف چینی؛ زیرا زبان «ادغام زیستن و نوشتن است «ادغام زندگی و مرگ.»

پس از ۴۰ سال کار و تلاش ادبی اینک دوگی مقام شاعر دانا را احیا کرده‌است. او شعر را در مساحی ژرف زبان قرار داده‌است. بدون اینکه اهمیت مضمون، احساسات و حتی رنج شود. آن چیزی که تمام نشدنی است کتابی است که در رثای همسرش تحریر کرد. از نظر دوگی «شعر همچون عشق همه چیز را با نشانه‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند و به خطر می اندازد.»

Il y a longtemps que tu n' existes pas	کی‌چی دیر زمانی است که تو وجود نداری
Visage quelquefois celebre et suffisant	سیمای گهگاه مشهور و گستاخ تو
Comment je t'aime Je ne sais Depuis longtemps	چگونه دوستت دارم نمی‌دانم مدت‌هاست
Jet'amie avec indifference Jet'aime a haine	که تو را با لاقیدی دوست دارم با کینه
Par omission par murmure par lachete	با نسیان با نجوا با دنائت
Avec obstination Contre toute vraisemblance Jet'aime en te perdant	با سماجت علیه هر تشابهی
pour perdre	دوستت دارم همچنان که گم‌ات می‌کنم به خاطر گم کردن
Ce moi qui refuse d'etre des notres entraine	من‌ایکه رد می‌کند یکی از ما باشد
De poupe (ce balcon chantourne sur le sel)	کشیده شده بر پاشنه کشتی
Ex-qui de dos traine entre deux eaux	(این بالکنی که از نمک بریده شده)
Maintenant quoi	من سابقی که از پشت میان دو جریان کشیده شده
Bouche punie	اکنون چه
Bouche punie coeur arpentant l'orbite	دهان کیفر چشیده دهان کیفر چشیده قلب مدار گرد
Une question a tout frayant en vain le tiers	پرسشی که بیهوده به سوی سومین می‌گراید

تولیدکنندگان محصولات فرهنگی

برای معرفی آثار خود در بخش کتاب آسیا، سه نسخه از اثر مورد نظرتان را به آدرس میدان فاطمی - کوچه کامران - پلاک ۱ (ساختمان آسیا) و یا صندوق پستی: ۱۳۵۹-۱۴۳۳۵ ارسال کنید.

گفتنی است در مقابل چاپ آگهی کتاب، CD، DVD، VHS، کاست و هر گونه لوازم تحریر در روزنامه «آسیا» به جای دریافت وجه، محصولات فرهنگی پذیرفته می‌شود.

مدیر اجرایی: نوید جمشیدی تلفن: ۸۸۹۱۷۴۷۷ فاکس: ۸۸۹۱۷۴۴۹

آقای صدا (۴۰)

زندگینامه چنگیز جلیلوند
ایرج بابا حاجی

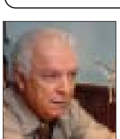

نام قیصر پرده سینماها را به آتش کشیده بود و همه‌جا حرف از این فیلم بود

چنگیز جلیلوند در حین گفت‌وگو و بیان ادامه خاطرات به دفترچه‌ای اشاره می‌کند که نام تمام فیلم‌های دوبله شده‌اش را در آن نوشته. دقایقی این دفترچه را ورق می‌زند مرجع خوبی برای تاریخ ساخت و اکران فیلم‌های آن روزگار است. بیشترین فعالیتش روی فیلم فارسی بوده. درباره ورودش به گویندگی فیلم فارسی می‌پرسم می‌گوید: با گویندگی به جای محسن مهدوی وارد فیلم فارسی شدم. مهدوی جزو هنرپیشه‌های تاپ آن روزها بود. (لازم به توضیح است محسن مهدوی بعدها به اجرای رل‌های درجه دو روی آورد و همواره در نقش پدر پولدار و افراد متمول ظاهر شد. مانند فیلم‌های رضا موتوری، بابا خالدار، خاکستری، پنجره، خانه خراب، و... مهدوی بعد از انقلاب به انگلستان مهاجرت کرد و مقیم آن کشور شد و در همانجا از دنیا رفت). از جلیلوند درباره ناصر ملک مطیعی می‌پرسم: زمانی که اولین فیلم‌های ناصر ملک مطیعی آمد من کلاس نهم بودم. یادمه چهار راه حوادث همان سال‌ها اکران شد. این فیلم ساخته ساموئل خاچیکیان بود. با مرحوم ساموئل خاچیکیان در زمان فیلم عصیان آشنا شدم و در آن فیلم به جای بیک ایمانوردی صحبت کردم. هنرپیشه دیگر این فیلم عبداله بوتیمار بود که به جای خودش حرف زد. عبداله بوتیمار هم از دوبلوران آن زمان بود. عصیان جزو اولین فیلم‌های بیک ایمانوردی بود که بعدها آن اجرای پیتر فالکی و آن شمایل کلاه و پالتو گشاد و شال گردن را پیدا کرد و منوچهر اسماعیلی هم به جایش حرف زد. البته بعد دوباره جدی شد و من در چند فیلم دیگرش حرف زدم. آخرین فیلمی که به جای او حرف زدم فیلم شبگرد بود. شبگردی که حالت عقب افتاده داشت و صحبت کردن به جای این نقش حالت خاصی را می خواست. جلیلوند به فیلم صمد صباحی هم اشاره می‌کند. فیلم چشمه عشاق با بازی مرحوم ویگن که او به جای این هنرپیشه حرف زده و این اجرا هم جزو اولین‌ها است. در مورد بیک ایمانوردی به مرحوم ایرج ناظریان هم اشاره دارد که اکثر نقش‌های جدی او را مرحوم ناظریان حرف زد. ناصر ملک مطیعی از اوایل سال ۱۳۲۷ با اجرای نقش کوتاهی در فیلم وارتیه بهاری (پرویز خطیبی) وارد سینما شد. بعد از اکران این فیلم در سینماهای تهران مهندس محسن بدیع، موسس و بانی استودیو بدیع او را برای اجرای نقش جوان اول فیلم خود با نام شکار خانگی انتخاب کرد. شکار خانگی با اجرای ملک مطیعی و تفکری کمدین معروف آن روزگار در اکران با شکست مواجه شد. ملک مطیعی بعد از این فیلم در استودیو پارس فیلم افسونگر را آغاز کرد که با مرحوم دلکش همبازی بود. این فیلم موقعیت خوبی کسب کرد. ولگرد فیلم بعدی ملک مطیعی بود و در زمان اکران رکورد فروش را شکست و ماه‌ها روی پرده بود. در اوایل دهه ۳۰ نام ناصر ملک مطیعی نظرها را جلب می‌کرد و به عنوان جوان اول سینماهای ایران تنها و بی‌رقیب جلو می‌رفت. چهار راه حوادث فیلم دیگر او با ساموئل خاچیکان بود اما قیصر حکایت دیگری داشت. قیصر از ملک مطیعی یک جاهل بزن بهادر ساخت اگر چه قبل از آن در فیلم اول هیکل در این نقش ظاهر شده بود. اما قیصر و کاراکتر ناصر در آن با آن کلاه مخملی و ناموس پرستی پرده سینماها را به آتش کشید. نام قیصر در همه جا پیچیده بود و فیلم سازها سعی می‌کردند از روی آن کپی سازی کنند.